

تجارب یادگیری مبتنی بر تعامل اجتماعی در بهسازی مهارت‌های هیجانی و اجتماعی کودکان آسیب پذیر: مروری بر شواهد نظری و تجربی

معصومه مرعشی

کارشناسی ارشد ریاضی محض / آموزش و پرورش شهرستان کارون

معصومه توکلی راد

کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی / آموزگار شهر تهران

ریحانه بطیاری

کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی / آموزگار شهرستان گرگان

چکیده

پژوهش حاضر باهدف مطالعه شواهد نظری و تجربی منتشرشده طی سال‌های اخیر در زمینه تأثیر تجارب یادگیری مبتنی بر تعامل اجتماعی بر بهسازی مهارت‌های هیجانی و اجتماعی کودکان آسیب‌پذیر انجام شد. روش پژوهش حاضر از نوع مطالعه مروری بود که باهدف گردآوری، سازمان‌دهی و تحلیل منابع (مقاله، کتاب و پایان‌نامه) در زمینه بهسازی مهارت‌های هیجانی و اجتماعی کودکان آسیب‌پذیر صورت گرفت. در این مطالعه، تلاش شده تا با بهره‌گیری از رویکردی شفاف، و مبتنی بر مراحل مشخص، اسناد معتبر شناسایی و گزینش شوند و محتوای آن‌ها به صورت توصیفی و مقایسه‌ای مرور شد. یافته‌ها نشان داد یادگیری مبتنی بر تعامل اجتماعی در سال‌های اخیر، جایگاهی ویژه در ارتقای مهارت‌های هیجانی و اجتماعی کودکان یافته است. رشد هیجان‌ها و روابط اجتماعی تنها در بستر تعامل‌های واقعی و معنادار با دیگران امکان‌پذیر است. اهمیت این الگو در مورد کودکان آسیب‌پذیر – شامل کودکانی باتجربه فقر، بی‌سرپرستی، مهاجرت، آزار، یا نیازهای ویژه – دوچندان می‌شود؛ زیرا این گروه در معرض محدودیت‌های محیطی و روانی قرار دارند که فرصت‌های طبیعی برای یادگیری مهارت‌های اجتماعی و هیجانی را از آنان سلب می‌کند. مرور شواهد نظری و تجربی نشان داد که طراحی مداخلاتی که بر تعامل اجتماعی ساخت‌مند، یادگیری گروهی، همکاری همسالان و بازخورد در موقعیت‌های واقعی تأکید دارند، می‌تواند به بهبود خودتنظیمی هیجانی، همدلی، مهارت‌های ارتباطی و احساس تعلق اجتماعی کودکان منجر شود؛ بنابراین تجارب یادگیری مبتنی بر تعامل اجتماعی، اگر به‌طور نظام‌مند، حساس به زمینه‌های فرهنگی و نیازهای ویژه کودکان طراحی و اجرا شوند، می‌توانند یکی از مؤثرترین راهبردها برای ارتقای رشد هیجانی و اجتماعی کودکان آسیب‌پذیر و حمایت از آنان در مسیر سازگاری فردی و اجتماعی باشند.

کلیدواژگان: یادگیری، تعامل اجتماعی، مهارت‌های هیجانی و اجتماعی؛ کودکان آسیب‌پذیر، مداخلات آموزشی

مقدمه

دوره کودکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین دوره‌های زندگی است که شخصیت انسان در آن شکل گرفته و این تحول در دوره‌های بعدی تکامل می‌یابد. در این دوران آشنایی با مهارت‌های زندگی می‌تواند به کودک در دستیابی به آموزش صحیح هیجانات و رفتارها در مسیر رشد و تکامل کمک کند (May & Ailarova, 2023). اما بستر زندگی خانوادگی و اجتماعی بسیاری از کودکان از جمله کودکان کار چنان است که دستیابی به چنین هدفی را دشوار و گاه ناممکن می‌سازد آن‌ها به جای کودکی شیرین و با امنیت، دورانی سخت و طاقت‌فرسا دارند، اغلب در کنار والدین یا مدرسه حضور ندارند تا به تحصیل، بازی و تفریح بپردازند و مراحل رشد طبیعی خود را طی کنند. محرومیت از این مزایا تأثیر منفی بر رشد هیجانی اجتماعی آن‌ها می‌گذارد (خدابخشی و همکاران، ۱۳۹۷).

خانواده اولین و مهم‌ترین نهادی است که کودک در آن متولد شده و تربیت میابد؛ بنابراین لازمه رشد سالم و طبیعی کودکان و سلامت روان آن‌ها، پرورش در خانواده‌ای بهنجار و سالم است که بستر مناسبی را برای تأمین نیازهای رشدی کودک فراهم کند. هر آن چه که باعث اختلال در عملکرد خانواده شود، می‌تواند زمینه‌ساز آسیب در پرورش کودکان شده و منجر به پیامدهای منفی برای آن‌ها شود (متقی قمصری و رستمی، ۱۳۹۸). خانواده منبع اصلی دل‌بستگی، تغذیه و جامعه‌پذیری افراد است؛ بنابراین هر مشکلی که در خانواده به وجود آید و باعث اختلال در عملکرد خانواده شود، بر فرآیند رشد و تربیت فرزندان تأثیر می‌گذارد (Lander et al., 2013).

کودکان آسیب‌پذیر را می‌توان بر اساس شرایط و چالش‌هایشان به چندین گروه طبقه‌بندی کرد. یک دسته کودکانی که یک یا هر دو والدین خود را از دست داده‌اند. آن‌ها اغلب با محرومیت‌های اجتماعی و اقتصادی قابل توجهی روبرو هستند که بر دسترسی آن‌ها به آموزش و مراقبت‌های بهداشتی تأثیر می‌گذارد (Gould & Huber, 2013). دسته بعدی کودکانی که با والدین مجرد یا بدون والدین زندگی می‌کنند که این گروه شامل کودکانی می‌شود که ممکن است یکی از والدین خود را از دست نداده باشند، اما فقط با یکی از آن‌ها یا هیچ‌کدام زندگی نمی‌کنند که این امر نیز می‌تواند منجر به آسیب‌پذیری‌هایی مشابه با کودکان یتیم شود به‌طور کلی تحقیقات، هشت نوع اصلی از آسیب‌پذیری کودکان را شناسایی می‌کند: فرزند پروری مختل شده، فقر، معلولیت‌های رشدی، قرار گرفتن در معرض تروما، طرد اجتماعی، محدودیت‌های مراقبت‌های بهداشتی، عدم مشارکت تحصیلی و مشکلات سلامت روان والدین (Nevard et al., 2021 and Bradbury-Jones et al., 2018).

وجود چنین مسائلی می‌تواند بر شایستگی هیجانی-اجتماعی این کودکان تأثیر گذارد. شایستگی‌های هیجانی-اجتماعی در کودکان و بزرگسالان اشاره به مجموع دانش، نگرش و مهارت‌های ضروری دارد که هر فرد در ابعاد رشد هیجانی و اجتماعی خود برای پاسخگویی به نیازها و انتظارات شخصی و غیرشخصی باید آن‌ها را داشته باشد (Coelho, Sousa & Marchante, 2015). مفهوم شایستگی‌های هیجانی-اجتماعی پنج طبقه اصلی قابلیت‌ها را تشکیل می‌دهند که عبارت‌اند از: خودآگاهی، آگاهی اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی، تصمیم‌گیری مسئولانه، خودکنترلی. شایستگی‌های اجتماعی هیجانی سازه‌ای است که مستقیماً با انطباق و عملکرد سروکار دارد (Schonert-Reichl, 2017).

یکی از ملزومات مهم زندگی در اجتماع رسیدن به سطحی از رشد و شایستگی اجتماعی است که فرد را قادر به سازش با محیط اجتماعی، استقلال، رفع نیازهای فردی، همکاری و تعامل با دیگران می‌سازد. رفتارهای اجتماعی مناسب و دیگر مهارت‌های سازشی، پایه‌های سازش یافتگی شخصی و اجتماعی را در زندگی تشکیل می‌دهند. شایستگی هیجانی - اجتماعی به‌عنوان یکی از بهترین پیش‌بینی‌کننده‌های موفقیت تحصیلی و اجتماعی و عملکرد مطلوب فعلی و آینده در نظر گرفته شده است (Fong & Iarocci, 2020)

نتایج مطالعات نشان داده‌اند که آموزش مهارت‌های هیجانی اجتماعی تأثیر معناداری بر بهبود روابط بین همشاگردی‌ها همدلی، مهربانی و مشارکت دانش آموزان (Dobia, et al., 2019)، روابط مهارت‌های اجتماعی (علامه و همکاران، ۱۳۹۷)، بهزیستی ذهنی و سلامت روان نوجوانان (ذبیحی حصار و همکاران، ۱۳۹۸)، شایستگی اجتماعی - هیجانی و احساس تعلق به مدرسه (Kim et al., 2010) و بهزیستی ذهنی و سازگاری تحصیلی شود (حسینی و همکاران، ۱۳۹۸).

باوجود تأکید گسترده پژوهش‌ها بر نقش کلیدی شایستگی‌های هیجانی - اجتماعی در رشد و موفقیت تحصیلی و اجتماعی کودکان، هنوز بخش عمده‌ای از مطالعات موجود بیشتر بر جمعیت‌های عادی و در دسترس تمرکز داشته‌اند و کمتر به شرایط ویژه کودکان آسیب‌پذیر پرداخته‌اند. این در حالی است که کودکان محروم، کودکان کار، کودکان دارای والدین ناکارآمد یا فاقد حمایت کافی، بیش از سایر گروه‌ها در معرض خطر اختلالات هیجانی و اجتماعی قرار دارند و نیازمند مداخلات مؤثرتر و بومی‌تر هستند. از سوی دیگر، در ادبیات موجود کمتر به این موضوع پرداخته شده است که تجارب یادگیری مبتنی بر تعامل اجتماعی چگونه می‌تواند به‌عنوان بستری حمایتی، جبرانی و توانمند ساز در ارتقای مهارت‌های هیجانی - اجتماعی این گروه از کودکان عمل کند. باوجود شواهد مثبت، مرور منابع شکاف‌های قابل توجهی را نیز نشان داد. بسیاری از پژوهش‌ها در بافت‌های فرهنگی غربی انجام شده و شواهد بومی، به‌ویژه در ایران، اندک است. همچنین بخش قابل توجهی از مداخلات کوتاه‌مدت بوده و اثرات بلندمدت آن‌ها به‌خوبی بررسی نشده است. علاوه بر این، برخی مطالعات تنها بر یک بعد از شایستگی هیجانی - اجتماعی تمرکز داشته‌اند و کمتر به بررسی جامع چند مؤلفه‌ای پرداخته‌اند.

بنابراین، خلأ موجود در پژوهش‌ها نشان می‌دهد که نیاز به بررسی و مرور نظام‌مند شواهد نظری و تجربی در این حوزه احساس می‌شود؛ به‌ویژه مرور و تحلیل یافته‌هایی که بتواند روشن سازد تجارب یادگیری تعاملی تا چه اندازه می‌تواند به بهبود رشد هیجانی، اجتماعی و سازگاری این کودکان کمک کند. هدف این مطالعه مرور نظام‌مند شواهد نظری و تجربی درباره نقش و تأثیر تجارب یادگیری مبتنی بر تعامل اجتماعی در بهسازی مهارت‌های هیجانی و اجتماعی کودکان آسیب‌پذیر است، به‌گونه‌ای که با ترسیم تصویری جامع از وضعیت موجود، مسیر طراحی و اجرای مداخلات آموزشی و تربیتی کارآمد در آینده هموار گردد.

روش

روش پژوهش حاضر از نوع مطالعه مروری بود که باهدف گردآوری، سازمان‌دهی و تحلیل ساختاری اسناد و منابع در زمینه بهسازی مهارت‌های هیجانی و اجتماعی کودکان آسیب‌پذیر: مروری بر شواهد نظری و تجربی صورت گرفت. در این مطالعه، تلاش شده تا با

بهره‌گیری از رویکردی شفاف، و مبتنی بر مراحل مشخص، اسناد معتبر شناسایی و گزینش شوند و محتوای آن‌ها به صورت توصیفی و مقایسه‌ای مرور شد.

مراحل انجام مطالعه:

۱) تعیین معیارهای ورود و خروج اسناد:

در مرحله اول، ملاک‌های ورود به مطالعه شامل موارد زیر بود:

معیارهای ورود:

۱. منابع شامل مرورهای نظری، پژوهش‌های تجربی منتشر شده و متون علمی که چارچوب‌های مفهومی یا شواهد مرتبط ارائه دهند.
۲. منابعی که به طور مستقیم به بررسی یکی یا چند مؤلفه از تعامل اجتماعی، کودکان آسیب‌پذیر، بهسازی مهارت‌های هیجانی، بهسازی مهارت‌های اجتماعی تمرکز داشتند
۳. مطالعات تجربی، مرورها و فرا تحلیل‌هایی که پیامدهای آموزشی، هیجانی یا اجتماعی مداخلات را بررسی کرده بودند.
۴. پژوهش‌های منتشر شده در مجلات علمی معتبر یا کنفرانس‌های داوری شده.

معیارهای خروج:

۱. منابعی که صرفاً به جنبه‌های آموزشی یا تحصیلی پرداخته و ارتباط مستقیمی با مهارت‌های هیجانی-اجتماعی ندارند
۲. کتاب‌ها یا مقالاتی که فاقد ارتباط مفهومی روشن با «یادگیری مبتنی بر تعامل اجتماعی» باشند
۳. پژوهش‌های فاقد دسترسی به متن کامل یا فاقد کیفیت روش‌شناختی کافی (بر اساس چک‌لیست اعتبارسنجی محققان).
۴. منابع غیرعلمی (مانند گزارش‌های غیرتخصصی، وبلاگ‌ها یا مطالب غیر داوری شده)
۵. مطالعات تکراری یا مرورهای فاقد معیارهای شفاف.
۶. اسنادی که تنها به مهارت‌های فنی یا صرفاً گزارش‌های آماری محدود بودند، یا ارتباط مستقیمی با موضوع پژوهش حاضر نداشتند، از مطالعه کنار گذاشته شدند.

۷.

۲) جست‌وجوی نظام‌مند منابع:

جست‌وجوی اولیه در پایگاه‌های رسمی و همچنین مخازن دیجیتال معتبر مانند:

Google scholar, Science direct, Scopus, Pubmed, Noormags,...

برای یافتن مقالات معتبر عبارت بودند از:

Social interaction, vulnerable children, improvement of emotional skills, improvement of social skills, تعامل اجتماعی، کودکان آسیب‌پذیر، بهسازی مهارت‌های هیجانی، بهسازی مهارت‌های اجتماعی

۳) انتخاب و سازمان‌دهی اسناد:

پس از حذف موارد تکراری و منابع نامرتبط، ۵۰ سند اصلی با موضوعات مرتبط انتخاب شدند. اطلاعات کلیدی هر سند شامل عنوان، سال انتشار، سازمان منتشرکننده، اهداف، محورهای کلیدی استخراج شدند. منابع مورد استفاده به صورت ارجاع درون‌متنی و پایانی به شیوه APA آورده شده است.

۴) تحلیل و طبقه‌بندی محتوای اسناد:

تحلیل نهایی به صورت مرور توصیفی و مقایسه‌ای انجام شد. در این بخش، تلاش شد تا با شناسایی شباهت‌ها، تفاوت‌ها و روندهای کلیدی در اسناد، الگوهای مشترک و چالش‌های شناسایی شده در منابع استخراج شود.

یافته‌ها

اهمیت بهسازی هیجانی و اجتماعی کودکان در جامعه

هر جامعه‌ای برای پیشرفت در زمینه‌های مختلف نیاز به افرادی دارد که از نظر جسم و روان سالم باشند. با توجه به اینکه دانش آموزان آینده‌سازان جامعه هستند و در رشد و ارتقای آن نقش مهمی دارند از همین رو توجه به مشکلات آن‌ها یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های پژوهشگران و روانشناسان امروزی است (آریوخان، ۲۰۲۴).

همچنین حمایت از سلامت عاطفی و اجتماعی کودکان می‌تواند منجر به نتایج مثبت مادام‌العمر شود. مداخلات اولیه که بر این جنبه‌ها تمرکز دارند، می‌توانند به کودکان در ایجاد تاب‌آوری و حس عاملیت کمک کنند که برای موفقیت و شادی آینده آن‌ها حیاتی است (Seaman & Giles, 2019).

فرهنگ‌های مختلف مهارت‌های اجتماعی-عاطفی کودکان را بر دستاوردهای تحصیلی اولویت می‌دهند که نشان‌دهنده شناخت فزاینده اهمیت سلامت عاطفی در شیوه‌های فرزند پروری است. این تغییر نشان‌دهنده درک اجتماعی گسترده‌تری از لزوم پرورش سلامت عاطفی کودکان در کنار رشد تحصیلی آن‌هاست (Ren & Pope, 2016).

کودکان آسیب‌پذیر و ضرورت بهسازی هیجانی و اجتماعی

به‌طور کلی تحقیقات، هشت نوع اصلی از آسیب‌پذیری کودکان را شناسایی می‌کند: فرزند پروری مختل شده، فقر، معلولیت‌های رشدی، قرار گرفتن در معرض تروما، طرد اجتماعی، محدودیت‌های مراقبت‌های بهداشتی، عدم مشارکت تحصیلی و مشکلات سلامت روان والدین (Nevard et al., 2021 and Bradbury-Jones et al., 2018).

شواهد نشان می‌دهد برای گروه‌های آسیب‌پذیر (کودکان در معرض فقر، مهاجرت/تجربه آزار، یا با نیازهای ویژه)، برنامه‌های «هدفمند و انطباق‌نیافته» اثربخشی بیشتری نسبت به برنامه‌های کاملاً عمومی دارند؛ به‌ویژه وقتی مؤلفه‌های تعامل اجتماعی به‌طور مستقیم طراحی شده‌اند (Raposa et al., 2019). کودکان آسیب‌پذیر، اعم از آن‌هایی که به دلیل شرایط خانوادگی، اقتصادی یا اجتماعی در معرض بحران‌های روانی قرار دارند، همواره نیازمند حمایت ویژه در فرآیند رشد هیجانی و اجتماعی هستند. پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که توسعه مهارت‌های هیجانی و اجتماعی، از جمله خودتنظیمی، همدلی، توانایی حل مسئله و برقراری ارتباط مؤثر، نه تنها سازگاری فردی را تقویت می‌کند؛ بلکه به پیشگیری از اختلالات رفتاری و بهبود عملکرد تحصیلی نیز کمک می‌کند (Mondi et al., 2021).

اهمیت تمرکز بر سلامت عاطفی و اجتماعی این گروه‌های آسیب‌پذیر توسط چندین عامل برجسته می‌شود:

سلامت روان: مداخلات زودهنگام، مانند مشاوره، می‌تواند سلامت عاطفی و رشد اجتماعی را به‌طور قابل‌توجهی (۱) بهبود بخشد و به کودکان کمک کند تا از مشکلات رفتاری جدی‌تر در مراحل بعدی زندگی جلوگیری کنند (Muhammadi, 2024).

(۲) شایستگی اجتماعی: افزایش سلامت اجتماعی-عاطفی کودکان برای شایستگی اجتماعی آن‌ها بسیار مهم است که با روابط بهتر و موفقیت تحصیلی مرتبط است (Phạm-Đào, 2025).

(۳) اقدامات پیشگیرانه: برنامه‌هایی که مهارت‌های اجتماعی و عاطفی را ارتقا می‌دهند، می‌توانند بروز مشکلات سلامت روان و مشکلات رفتاری را در سال‌های بعدی، به‌ویژه در دوران نوجوانی که کودکان به‌طور ویژه آسیب‌پذیر هستند، کاهش دهند (Sapra, 2019).

مفهوم شایستگی‌های هیجانی-اجتماعی

مفهوم شایستگی‌های هیجانی-اجتماعی پنج طبقه اصلی قابلیت‌ها را تشکیل می‌دهند که عبارت‌اند از: خودآگاهی، آگاهی اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی، تصمیم‌گیری مسئولانه، خودکنترلی. شایستگی‌های اجتماعی هیجانی سازه‌ای است که مستقیماً با انطباق و عملکرد سروکار دارد (Schonert-Reichl, 2017).

با توجه به تعریف مرکز همکاری اقتصادی و توسعه (OCDE) (۲۰۱۷)، تعریف شایستگی هیجانی اجتماعی عبارت است از مجموع مهارت‌های شناخت و مدیریت هیجان، مراقبت و توجه به دیگران، ایجاد روابط مثبت، تصمیم‌گیری مسئولانه و برخورد سازنده و اخلاقی با چالش‌ها هست که شامل مؤلفه‌های خودآگاهی، آگاهی اجتماعی، روابط بین فردی، تصمیم‌گیری مسئولانه خود مدیریتی است (امام‌مقامیوند، کدیور و شریفی، ۱۳۹۷).

یکی از ملزومات مهم زندگی در اجتماع رسیدن به سطحی از رشد و شایستگی اجتماعی است که فرد را قادر به سازش با محیط اجتماعی، استقلال، رفع نیازهای فردی، همکاری و تعامل با دیگران می‌سازد. رفتارهای اجتماعی مناسب و دیگر مهارت‌های سازشی، پایه‌های سازش یافتگی شخصی و اجتماعی را در زندگی تشکیل می‌دهند. شایستگی هیجانی-اجتماعی به‌عنوان یکی از بهترین پیش‌بینی‌کننده‌های موفقیت تحصیلی و اجتماعی و عملکرد مطلوب فعلی و آینده در نظر گرفته شده است (Fong & Iarocci, 2020).

در متون روانشناسی، شایستگی هیجانی-اجتماعی که گاهی به‌عنوان مهارت‌های اجتماعی نامیده می‌شود به گونه‌های مختلف تعریف شده است. به‌طور کلی، شایستگی به‌عنوان توانایی موفقیت‌آمیز انجام یک وظیفه، عمل یا کارکرد معین، تعریف شده است و

به‌طور خاص شایستگی اجتماعی را توانایی رسیدن به هدف‌های فردی با حفظ روابط اجتماعی مثبت، تعریف کرده‌اند. یک تعریف مشابه، ولی منسجم‌تر، شایستگی اجتماعی را مشتمل بر مهارت‌های شناختی، رفتاری، هیجانی و انگیزشی می‌داند که افراد برای سازگاری روانی موفق به آن نیاز دارند تا آن‌ها را قادر سازد با لحاظ کردن هدف‌ها و نیازهای دیگران به هدف‌های خود برسند و نیازهای خویش را برآورده سازند (Barrera, 2017).

شایستگی اجتماعی قابلیت درک دیدگاه دیگران نسبت به یک موضوع یا از منظر او به موضوعی نگریستن، یادگیری از تجربیات گذشته و استفاده از آن تجربیات، متناسب با موقعیت‌های اجتماعی و توانایی واکنش شایسته و منعطف همراه با سازش یافتگی، به‌منظور مدیریت چالش‌های اجتماعی توصیف می‌شود. شایستگی اجتماعی به‌طور مفروض با مهارت‌های اجتماعی، ارتباط اجتماعی و میان فردی نیازمند آن است که کودک به‌منظور تعامل سازگارانه با دیگران از زبان اجتماعی و ارتباط غیرکلامی بهره بگیرد (Crone, 2020).

شایستگی هیجانی- اجتماعی با بهزیستی روان‌شناختی مرتبط است. (Vacenre, 2020) در بررسی خود نشان داد فرزندان که بهزیستی روان‌شناختی پایینی داشتند، در مقایسه با فرزندان که بهزیستی روانی بالایی داشتند، مشکلات هیجانی و اجتماعی بیشتری را تجربه کرده‌اند.

بهزیستی روان‌شناختی به‌عنوان قابلیت یافتن تمام استعداد‌های فرد است و از تعادل بین عاطفه مثبت و منفی، رضایت از زندگی و شغل به وجود می‌آید (Bernerth & Hirschfeld, 2016). کودکان خانواده‌های تک‌والدی نسبت به خانواده‌های دو‌والدی با احتمال بیشتری دچار فقر اقتصادی، اعتماد به خود پایین و ترک تحصیل می‌شوند (Gahler & Garriga, 2012)؛ چراکه عدم حضور هر یک از والدین در محیط خانواده، تعادل آن را برهم زده و موجب تضعیف کارکرد خانواده، کاهش نظارت و مهارت اجتماعی شده و بزهکاری، مشکلات جسمانی، آشفتگی روانی و اجتماعی در فرزندان آن‌ها را افزایش می‌دهد (Eitle, 2006).

توانایی‌های هیجانی- اجتماعی کودکان گاهی قطعه گمشده نامیده شده است، زیرا باوجود اینکه بخش جدایی‌ناپذیر تعلیم و تربیت برای موفقیت، سلامتی روان‌شناختی و رضایت در زندگی محسوب می‌شوند. منظور از مهارت‌های هیجانی اجتماعی آن است که دانش‌آموز بر رفتارهایی که سبب شکل‌گیری تعامل‌های اجتماعی بین او و دنیای بیرونی می‌شود (مانند شروع و حفظ روابط دوستانه با همسالان و بزرگسالان رفتارهای تعاونی و همکاری) و نیز مدیریت هیجان‌ها و احساس‌های خود (مانند مدیریت پرخاشگری و تعارض، نظم جویی و واکنش‌پذیری) تسلط یابد و به تحول حس مهارت و ارزش خود دست یابد (Squires, 2002).

برنامه آموزش مهارت‌های اجتماعی هیجانی (SE) اولین بار توسط انجمن تحصیلی یادگیری اجتماعی - هیجانی (CASEL) اجرا گردید این موسسه پیشرو در یادگیری‌های اجتماعی، هیجانی در سال ۱۹۹۴ به‌وسیله دانیل گل من و ایلی، نراکلفر بنیان‌گذاری شد (Payton et al. 2008). یادگیری اجتماعی-هیجانی با بسیاری از تاه‌ها مترادف است: هوش هیجانی، بهره هیجانی، هوش اجتماعی و شایستگی اجتماعی هیجانی؛ اما به هر نامی که خوانده شود به‌عنوان یک مقوله جدی بخشی از رشد فردی در اواخر قرن بیستم است (Crane, 2015).

مولفه های شایستگی هیجانی اجتماعی

(Zhou & Ee, 2012) در پرسشنامه‌ای که برای ارزیابی شایستگی هیجانی-اجتماعی طراحی کرده‌اند، پنج مولفه را معرفی می‌کنند که عبارت است از: آگاهی اجتماعی، خودمدیریتی، خودآگاهی، مدیریت رابطه و تصمیم‌گیری مسئولانه. در ادامه به تعریف هر یک از این مولفه ها پرداخته می‌شود:

(۱) خودآگاهی: خودآگاهی از جمله مهارت‌های زندگی است و به افراد کمک می‌کند تا شناخت بهتری نسبت به خصوصیات خود، نیازها، اهداف و نقاط قوت و ضعف خود داشته باشند. هرچه افراد شناخت بیشتری از خود داشته باشند، عملکرد مستقل‌تری خواهند داشت و بیشتر پذیرای تفاوت‌های دیگران هستند (اکبری و فرگت، ۱۳۹۸).

(۲) آگاهی اجتماعی: آگاهی اجتماعی به توانایی دیدگاه‌گیری و همدلی با دیگران، درک اجتماعی و اخلاقی برای رفتار، شناخت منابع و حمایت‌های خانوادگی، مدرسه‌ای و جامعه اشاره دارد. این توانایی به دانش آموز کمک می‌کند تا در مدرسه پیشرفت بیشتری داشته باشد (ابراهیمی اورنگ و همکاران، ۱۴۰۰).

(۳) خودمدیریتی: خودمدیریتی یک استراتژی است که به فرد کمک می‌کند تا توالی رفتار خود را حفظ کند یا یک رفتار یا مهارت مثبت را تقویت نمایند و یا حتی، یک رفتار نامطلوب را کاهش دهد. در صورتی که افراد در یادگیری خود مراقبتی موفق شوند، ضرورت تغییر در رفتار یا سبک زندگی را احساس می‌کنند (Barlow ET AL., 2002).

(۴) مدیریت رابطه: مدیریت رابطه به مهارت‌هایی اشاره دارد که فرد، به واسطه‌ی آن‌ها می‌تواند درگیر تعاملات بین فردی و فرآیند ارتباط شود و رابطه‌ی خود را در هنگام چالش مدیریت و حفظ کند (Belyaeva ET AL., 2020).

(۵) تصمیم‌گیری مسئولانه: به معنای اتخاذ تصمیم با توجه به بایدها و نبایدهای اجتماعی، استانداردهای اخلاقی و امنیتی، احترام به دیگران و همچنین، قبول نتایج احتمالی رفتارهای گوناگون در موقعیت‌های اجتماعی و تحصیلی است (نعمتی و باردل، ۱۳۹۹).

دیدگاه‌های نظری در مورد شایستگی هیجانی-اجتماعی کودکان

دیدگاه‌های نظری در مورد شایستگی اجتماعی-عاطفی کودکان، چارچوب‌های مختلفی را در برمی‌گیرد که به توضیح چگونگی توسعه مهارت‌های لازم برای تنظیم عاطفی، تعامل اجتماعی و ایجاد روابط در کودکان کمک می‌کند. این دیدگاه‌های نظری در مجموع بر ماهیت چندوجهی شایستگی اجتماعی-عاطفی کودکان تأکید می‌کنند و بر تعامل بین عوامل فردی، رابطه‌ای و فرهنگی در رشد آن‌ها تأکید دارند.

در اینجا به برخی از دیدگاه‌های کلیدی اشاره شده است:

چارچوب شایستگی عاطفی: این چارچوب بر اهمیت شایستگی عاطفی تأکید دارد که شامل توانایی ابراز مناسب احساسات، تنظیم احساسات و درک احساسات در خود و دیگران است. تحقیقات نشان می‌دهد که شایستگی عاطفی برای شایستگی اجتماعی و موفقیت تحصیلی بسیار مهم است و زمینه‌های ارتباطی (مثلاً والد-فرزند، معلم-فرزند) را که در توسعه آن نقش دارند، برجسته می‌کند (Denham, 2007).

نظریه سیستم‌های خانواده: این نظریه فرض می‌کند که شایستگی اجتماعی-عاطفی کودکان تحت تأثیر کیفیت روابط خانوادگی قرار دارد. مطالعات نشان داده‌اند که کیفیت زناشویی والدین به‌طور قابل توجهی بر امنیت عاطفی و مهارت‌های اجتماعی-عاطفی کودکان تأثیر می‌گذارد و روابط والد-فرزند و خواهر و برادر به‌عنوان واسطه در این فرآیند عمل می‌کنند (Xiao, 2024).

دیدگاه‌های فرهنگی در مورد اجتماعی شدن احساسات: این دیدگاه بررسی می‌کند که چگونه زمینه‌های فرهنگی انتظارات مراقبان را در مورد ابراز احساسات کودکان شکل می‌دهند. این دیدگاه بین شایستگی احساسی فردگرایانه و رابطه‌ای تمایز قائل می‌شود و بینش‌هایی در مورد چگونگی رویکرد فرهنگ‌های مختلف به اجتماعی شدن احساسات و تأثیر آن بر رشد عاطفی کودکان ارائه می‌دهد (Friedlmeier et al., 2011).

دیدگاه تعامل‌گرا: این دیدگاه بر ماهیت رابطه‌ای رشد کودکان، به‌ویژه در محیط‌های پیش‌دبستانی، تمرکز دارد. این دیدگاه نشان می‌دهد که خودتنظیمی عاطفی با موفقیت تحصیلی همبستگی مثبت دارد و بر نقش معلمان در تقویت پیوندهای اجتماعی ایمن که از رشد عاطفی کودکان پشتیبانی می‌کند، تأکید دارد (Nilfyr & Ewe, 2025).

دیدگاه اهداف اجتماعی: این دیدگاه بر اهمیت اهداف کودکان در موقعیت‌های اجتماعی تأکید می‌کند. این دیدگاه نشان می‌دهد که شایستگی اجتماعی کودکان تحت تأثیر اهداف و استراتژی‌های آن‌ها در تعاملات اجتماعی است و پیامدهایی برای درک و پرداختن به مشکلات روابط اجتماعی دارد (Erdley & Asher, 1999).

نظریه ذهن: این مفهوم به توانایی درک حالات ذهنی دیگران اشاره دارد که برای توسعه شایستگی اجتماعی-عاطفی بسیار مهم است. تحقیقات نشان می‌دهد که توانایی کودکان در تشخیص احساسات و همدلی با دیگران با شایستگی اجتماعی آن‌ها مرتبط است، همان‌طور که توسط والدین و معلمان ارزیابی می‌شود (Lebedeva, 2022).

یادگیری مبتنی بر تعامل اجتماعی بر بهسازی هیجانی اجتماعی

۱) رویکردهای مبتنی بر بازی

استفاده از آموزش مهارت‌های اجتماعی مبتنی بر بازی مجازی، نویدبخش افزایش دانش اجتماعی، عملکرد و اعتمادبه‌نفس کودکان بوده است. این روش می‌تواند به‌طور مؤثر مهارت‌های اجتماعی را به شیوه‌ای سرگرم‌کننده و جذاب بهبود بخشد (Craig et al., 2015).

رویکردهای مبتنی بر بازی نقش مهمی در تقویت مهارت‌های عاطفی و اجتماعی در میان کودکان آسیب‌پذیر ایفا می‌کنند ازجمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

خودتنظیمی عاطفی و همدلی

نشان داده‌شده است که یادگیری مبتنی بر بازی، خودتنظیمی عاطفی، حل تعارض و همدلی را در کودکان افزایش می‌دهد. این مهارت‌ها برای تعاملات اجتماعی و رشد کلی عاطفی بسیار مهم هستند (Bagea et al., 2023).

رشد شناختی و عاطفی

اشکال مختلف بازی، ازجمله بازی آزاد، بازی هدایت‌شده و بازی ساختاریافته، به توانایی‌های شناختی و رفاه عاطفی کودکان کمک می‌کند. این نوع یادگیری، خلاقیت، تاب‌آوری و مهارت‌های اجتماعی را پرورش می‌دهد که برای یادگیری مادام‌العمر اساسی هستند (Qayyum et al., 2024).

تأثیر مثبت بر مهارت‌های اجتماعی

تحقیقات نشان می‌دهد که استراتژی‌های یادگیری مبتنی بر بازی، مانند ایفای نقش، داستان‌سرایی و بازی در فضای باز، رشد شناختی، اجتماعی و عاطفی را در کودکان پیش‌دبستانی به‌طور قابل توجهی بهبود می‌بخشد. این استراتژی‌ها تعامل و همکاری بین همسالان را تشویق می‌کنند که برای ایجاد مهارت‌های اجتماعی ضروری است (Kausar et al., 2024).

زندگی جمعی و تعاملات اجتماعی

برنامه‌هایی که یادگیری مبتنی بر بازی را در خود جای می‌دهند، به‌ویژه در محیط‌های جمعی، در بهبود مهارت‌های اجتماعی و رفاه عاطفی در بین کودکان آسیب‌پذیر مؤثر بوده‌اند. این تعاملات به برآورده شدن نیازهای روانی اساسی و تقویت حس تعلق کمک می‌کنند (Zhuang et al., 2025).

در نتیجه، رویکردهای مبتنی بر بازی برای افزایش مهارت‌های عاطفی و اجتماعی کودکان آسیب‌پذیر حیاتی هستند. آن‌ها چارچوبی برای توسعه شایستگی‌های ضروری فراهم می‌کنند که به تعاملات اجتماعی مثبت و سلامت عاطفی کمک می‌کنند. تحقیقات بیشتر ممکن است به بررسی جزئیات این رویکردها و تأثیرات بلندمدت آن‌ها بر رشد کودکان ادامه دهد.

۲) تحلیل رفتار کاربردی (ABA)

مشخص شده است که ABA مهارت‌های عاطفی و اجتماعی کودکان مبتلا به اختلال طیف اوتیسم را به‌طور قابل توجهی بهبود می‌بخشد. مداخلات ساختاریافته با استفاده از تکنیک‌های اصلاح رفتار می‌تواند مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی را که برای زندگی روزمره بسیار مهم هستند، افزایش دهد (Du et al., 2024).

مداخله تحلیل رفتار کاربردی، یک رویکرد علمی است که در آن، روش‌های مبتنی بر اصول رفتار برای شناسایی متغیرهای محیطی تأثیرگذار بر رفتار معنادار اجتماعی که قابل کاربرد در مداخله‌های فردی و عملی باشد مورد استفاده قرار می‌گیرد (Yi, & Dixon, 2020).

در روش تحلیل رفتار کاربردی، تمرکز اصلی بر دستکاری متغیرهای محیط برای بهبود رفتار اجتماعی است این برنامه را لواس پایه‌گذاری کرد. او در مطالعه کودکان مبتلا به درخودماندگی با استفاده از برنامه تحلیل رفتار کاربردی فشرده نشان داد والدین می‌توانند با اجرای مستمر تمرینات برنامه سبب تغییرات مثبت در زندگی فرزندان‌شان شوند (Sneed, 2022).

مطالعات بسیاری اثربخشی روش تحلیل رفتار کاربردی را در بهبود مشکلات رفتاری (احمدی و همکاران، ۱۳۹۳؛ حسین خانزاده، حقیقی و شباهنگ، ۱۳۹۷)، مشکلات ارتباط کلامی (پوشنه و آشناسان، ۱۳۹۵؛ برند و ابراهیم پور، ۱۳۹۵) و مهارت‌های اجتماعی (هاشمی و یاقوتی، ۱۳۹۵؛ جهاندار و کاکابرایی، ۱۳۹۷) تایید کرده‌اند.

تحلیل رفتار کاربردی (ABA) نقش مهمی در بهبود مهارت‌های عاطفی و اجتماعی کودکان آسیب‌پذیر ایفا می‌کند.

تقویت مهارت‌های اجتماعی: ABA در آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی به کودکان مبتلا به ASD مؤثر است. یک مطالعه نشان داد که یک برنامه ABA به‌طور قابل توجهی مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی کودکان بستری را بهبود بخشیده است و پتانسیل آن را در افزایش مهارت‌های زندگی روزمره نشان می‌دهد (Du, 2024).

اصلاح رفتار: ABA از تکنیک‌های اصلاح رفتار برای تشویق رفتارهای مثبت و درعین حال کاهش رفتارهای چالش‌برانگیز استفاده می‌کند. این رویکرد ساختاریافته به کودکان کمک می‌کند تا مهارت‌های اجتماعی ضروری، مانند تماس چشمی و تعامل مناسب را که برای ابراز احساسات و ادغام اجتماعی بسیار مهم هستند، بیاموزند (Logrieco ET AL., 2024).

رشد جامع: تحقیقات نشان می‌دهد که کودکانی که مداخلات ABA را دریافت می‌کنند، در حوزه‌های مختلف، از جمله پیامدهای شناختی، زبانی و عاطفی، پیشرفت‌هایی را نشان می‌دهند. این پیشرفت‌ها به بهبود کلی کیفیت زندگی و عملکرد اجتماعی کمک می‌کند (Gitimoghaddam, 2022).

رویکرد فردی: اثربخشی ABA اغلب از طریق برنامه‌های فردی متناسب با نیازهای منحصربه‌فرد هر کودک افزایش می‌یابد. این شخصی‌سازی تضمین می‌کند که مداخلات مرتبط و مؤثر باشند و رشد عاطفی و اجتماعی بهتری را تقویت کنند (Barnett ET AL., 2020).

مزایای بلندمدت: مطالعات طولی نشان داده‌اند که کودکان مبتلا به ASD که تحت درمان ABA قرار می‌گیرند، در طول زمان بهبودهای قابل توجهی در تعامل اجتماعی و ابراز احساسات نشان می‌دهند که نشان‌دهنده مزایای بلندمدت این مداخله است (Du, 2025).

۳) گفت‌وگوی هیجان محور

گفتگوی احساسی با تسهیل معلم در کلاس‌های درس اوایل دوران کودکی، یک استراتژی مبتنی بر تحقیق است که می‌تواند دانش عاطفی، رفتار اجتماعی و مشارکت در کلاس درس کودکان را بهبود بخشد. این رویکرد بر اهمیت بحث در مورد احساسات برای تقویت رشد اجتماعی و عاطفی تأکید دارد (Houston et al., 2024).

مداخلات مبتنی بر برنامه درسی جهانی

یک بررسی سیستماتیک نشان داد که کودکانی که در معرض مداخلات یادگیری اجتماعی و عاطفی جهانی قرار گرفته‌اند، پیشرفت‌های قابل توجهی در شایستگی اجتماعی، شایستگی عاطفی و خودتنظیمی رفتاری نشان داده‌اند. این برنامه‌ها به‌ویژه در اوایل کودکی که دوره‌ای حیاتی برای رشد است، مؤثر هستند (Blewitt et al., 2018).

۴) نقش آفرینی

اجرای روش‌های نقش‌آفرینی در محیط‌های آموزشی در افزایش مهارت‌های اجتماعی-عاطفی کودکان، به‌ویژه در زمینه‌هایی مانند صبر، همدلی و همکاری، مؤثر بوده است. این روش به کودکان اجازه می‌دهد تا تعاملات اجتماعی را در یک محیط ساختاریافته تمرین کنند (Hasan et al., 2024).

اجرای روش‌های ایفای نقش در محیط‌های آموزشی می‌تواند مهارت‌های اجتماعی-عاطفی کودکان آسیب‌پذیر را به‌طور قابل توجهی افزایش دهد. در اینجا به برخی از استراتژی‌ها و مزایای مؤثر مرتبط با این رویکرد اشاره می‌شود:

(۱) توسعه هوش هیجانی: فعالیت‌های ایفای نقش می‌تواند به کودکان کمک کند تا احساسات خود را تشخیص داده و مدیریت کنند و همچنین احساسات دیگران را درک کنند. این با مفهوم هوش هیجانی که برای تعاملات اجتماعی و رفاه شخصی بسیار مهم است، همسو است (Elksnin et al., 2003).

(۲) بهبود مهارت‌های اجتماعی: از طریق ایفای نقش، کودکان می‌توانند سناریوهای اجتماعی را در یک محیط امن تمرین کنند و به آن‌ها امکان می‌دهد مهارت‌های ضروری مانند ارتباط، همدلی و حل تعارض را توسعه دهند. این تمرین می‌تواند منجر به بهبود شایستگی اجتماعی شود که با نتایج تحصیلی بهتر مرتبط است (Martinsone et al., 2022).

(۳) تشویق رفتار اجتماعی: مشارکت در ایفای نقش می‌تواند با اجازه دادن به کودکان برای بررسی دیدگاه‌های مختلف و تمرین پاسخ به موقعیت‌های اجتماعی مختلف، رفتارهای اجتماعی را تقویت کند. این امر می‌تواند به‌ویژه برای کودکانی که به دلیل مشکلات عاطفی یا رفتاری ممکن است در تعاملات اجتماعی مشکل داشته باشند، مفید باشد (Beamish et al., 2014).

(۴) ایجاد یک محیط یادگیری امن: ایفای نقش می‌تواند به ایجاد فضایی در کلاس درس کمک کند که در آن کودکان برای ابراز وجود و ریسک‌پذیری احساس امنیت کنند. این محیط حمایتی برای کودکان آسیب‌پذیر ضروری است، زیرا آن‌ها را تشویق می‌کند تا با همسالان خود تعامل داشته باشند و به‌طور فعال در یادگیری خود مشارکت کنند (Knitzer et al., 2005).

(۵) تسهیل روابط همسالان: با شرکت در تمرین‌های ایفای نقش، کودکان می‌توانند روابط قوی‌تری با همسالان خود برقرار کنند. این فعالیت‌ها اغلب نیاز به همکاری و کار گروهی دارند که می‌تواند به کودکان کمک کند تا اعتماد و رفاقت را که برای رشد اجتماعی-عاطفی آن‌ها ضروری است، توسعه دهند.

(۶) متناسب با نیازهای فردی: ایفای نقش می‌تواند برای پرداختن به چالش‌های خاص کودکان آسیب‌پذیر، مانند کودکان دارای ناتوانی‌های یادگیری یا کودکانی که از پیشینه‌های اجتماعی-اقتصادی پایین هستند، تطبیق داده شود. این سفارشی‌سازی تضمین می‌کند که سناریوهای ایفای نقش مرتبط و مفید برای موقعیت‌های منحصربه‌فرد کودکان باشند (Durlak et al., 2011).

در نتیجه، ادغام روش‌های ایفای نقش در محیط‌های آموزشی می‌تواند ابزاری قدرتمند برای افزایش مهارت‌های اجتماعی-عاطفی کودکان آسیب‌پذیر باشد. با پرورش هوش هیجانی، بهبود مهارت‌های اجتماعی و ایجاد یک محیط یادگیری حمایتی، مدارس می‌توانند به‌طور قابل توجهی به رفاه و رشد کلی این کودکان کمک کنند.

(۵) مداخلات مدرسه محور

مداخلات یکپارچه مبتنی بر مدرسه که یادگیری اجتماعی-عاطفی را با توسعه سوادآموزی ترکیب می‌کنند، پیشرفت‌هایی را در عملکرد اجتماعی-عاطفی، رفتاری و تحصیلی کودکان نشان داده‌اند. این مداخلات می‌توانند منجر به رفتار اجتماعی بهتر و کاهش پرخاشگری شوند (Jones et al., 2011).

مدارس می‌توانند از طریق چندین استراتژی کلیدی، کودکان آسیب‌پذیر را برای رفاه عاطفی و اجتماعی بهتر حمایت کنند:

(۱) اجرای برنامه‌های یادگیری اجتماعی و عاطفی (SEL): مدارس باید برنامه‌های SEL مبتنی بر شواهد را اتخاذ کنند که مهارت‌های اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد. تحقیقات نشان می‌دهد که چنین برنامه‌هایی منجر به بهبود قابل‌توجه در رفاه عاطفی، مهارت‌های اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود این برنامه‌ها می‌توانند در برنامه درسی ادغام شوند و باید متناسب با نیازهای خاص جمعیت‌های آسیب‌پذیر تنظیم شوند. (Durlak, 2011).

(۲) ایجاد یک محیط حمایتی در مدرسه: یک فضای مثبت در مدرسه برای تقویت رفاه عاطفی ضروری است. مدارس باید فرهنگ شمول و حمایت را ترویج دهند، جایی که دانش‌آموزان احساس امنیت و ارزشمندی کنند. این شامل تعیین انتظارات روشن برای رفتار و ارائه حمایت پیشگیرانه به دانش‌آموزان می‌شود (Carroll et al., 2022).

(۳) ارائه مداخلات هدفمند درحالی که حمایت جهانی مهم است، مداخلات هدفمند برای گروه‌های خاصی از کودکان آسیب‌پذیر می‌تواند بسیار مؤثر باشد. این ممکن است شامل برنامه‌های تخصصی برای کودکانی باشد که با چالش‌های خاصی روبرو هستند، مانند کودکانی که دارای ناتوانی‌های یادگیری یا کودکانی با پیشینه‌های اجتماعی-اقتصادی پایین هستند (Banerjee, 2016).

(۴) آموزش کارکنان و مربیان: توسعه حرفه‌ای معلمان و کارکنان برای تجهیز آن‌ها به مهارت‌های لازم برای حمایت مؤثر از کودکان آسیب‌پذیر بسیار مهم است. آموزش باید بر شناخت علائم پریشانی عاطفی و اجرای استراتژی‌هایی برای تقویت تاب‌آوری و رفاه در بین دانش‌آموزان متمرکز باشد (Miyamoto et al., 2015).

(۵) مشارکت خانواده‌ها و جوامع: مدارس باید به‌طور فعال خانواده‌ها و ذینفعان جامعه را در حمایت از رشد عاطفی و اجتماعی کودکان درگیر کنند. این می‌تواند شامل کارگاه‌ها، منابع و برنامه‌های مشارکتی باشد که شکاف بین محیط خانه و مدرسه را پر می‌کند (Hymel et al., 2017).

(۶) نظارت و ارزیابی: ارزیابی منظم اثربخشی برنامه‌ها و مداخلات SEL ضروری است. مدارس باید داده‌های مربوط به نتایج دانش‌آموزان را جمع‌آوری کنند تا رویکردهای خود را به‌طور مداوم اصلاح و بهبود بخشند (Taylor et al., 2017).

با اجرای این استراتژی‌ها، مدارس می‌توانند محیطی ایجاد کنند که نه تنها از موفقیت تحصیلی کودکان آسیب‌پذیر حمایت می‌کند، بلکه سلامت عاطفی و اجتماعی کلی آن‌ها را نیز ارتقا می‌دهد.

نمونه‌های موفق

این مطالعات موردی، اثربخشی مداخلات هدفمند و سیستم‌های حمایتی را در افزایش رفاه عاطفی و اجتماعی کودکان آسیب‌پذیر در زمینه‌های مختلف نشان می‌دهد.

پروژه The Pyramid: این مداخله مستقر در بریتانیا بر تقویت شایستگی‌های اجتماعی-عاطفی در کودکان دبستانی متمرکز بود. مطالعه‌ای شامل ۳۸۵ کودک، بهبودهای قابل توجهی را در سلامت اجتماعی-عاطفی، به‌ویژه در مشکلات عاطفی و همسالان و همچنین رفتارهای اجتماعی، در بین کسانی که در مداخله باشگاه هرم شرکت کردند، در مقایسه با گروه کنترل نشان داد (Ohl, 2013).

حمایت از کودکان در دوران گذار برای مشکلات SEMH: یک مطالعه موردی کیفی، تجربیات کودکانی را که در دوران گذار از دبستان به دبیرستان با مشکلات اجتماعی، عاطفی و سلامت روان (SEMH) مواجه بودند، بررسی کرد. یافته‌ها بر نیاز به حمایت عاطفی و حس تعلق تأکید کردند و نشان دادند که تمهیدات مناسب برای گذار می‌تواند رفاه عاطفی را در این دوره بحرانی بهبود بخشد (Bagnall, 2021).

مداخله Pyramid Plus: این مداخله باهدف بهبود سلامت اجتماعی-عاطفی در کودکان آسیب‌پذیر در ایرلند شمالی انجام شد و کاهش قابل توجهی در مشکلات درونی‌سازی و برون‌سازی نشان داد. این مطالعه شامل ۲۹۴ کودک بود و نشان داد که مشارکت در مداخله هرچه ی‌لاس منجر به بهبود هوش هیجانی و رفتار اجتماعی مثبت می‌شود (Cassidy, 2014).

بحث و نتیجه گیری

تجارب یادگیری مبتنی بر تعامل اجتماعی از مهم‌ترین عوامل ارتقای مهارت‌های هیجانی و اجتماعی کودکان محسوب می‌شوند و می‌توانند به شکل معناداری در پیشگیری از آسیب‌های روانی-اجتماعی نقش ایفا کنند. یافته‌های مطالعات مرور شده حاکی از آن است که محیط‌های یادگیری مشارکتی و تعاملات هدفمند میان کودک-کودک و کودک-بزرگسال به رشد مؤلفه‌هایی مانند خودآگاهی، خودتنظیمی، مهارت‌های ارتباطی، همدلی و تصمیم‌گیری مسئولانه کمک می‌کند.

بررسی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که کودکان آسیب‌پذیر به دلیل شرایطی مانند فقر، بی‌ثباتی خانوادگی، تجربه رویدادهای آسیب‌زا و کمبود حمایت اجتماعی، در معرض خطر افت تحصیلی، مشکلات رفتاری و ضعف در تنظیم هیجان قرار دارند. با این حال، مداخلاتی که فرصت تعامل اجتماعی ایمن، بازی گروهی، گفتگو و فعالیت‌های مشارکتی را فراهم می‌کنند، می‌توانند این چرخه آسیب‌پذیری را تا حد زیادی بشکنند و شایستگی‌های هیجانی-اجتماعی را بازسازی کنند.

نکته قابل توجه در یافته‌ها، نقش کلیدی بزرگسالان (معلم، مربیان، والدین) در تسهیل این تعاملات است. مطالعات نشان داده‌اند که حضور حمایتگر و واکنش‌گرایی بزرگسالان باعث تقویت دل‌بستگی، ایمن، افزایش اعتماد به نفس کودک و ارتقای احساس تعلق

می‌شود؛ بنابراین، یادگیری تعاملی تنها به روابط همسالان محدود نمی‌شود، بلکه شامل روابط حمایتی با بزرگسالان و تعاملات چندلایه در بافت خانواده و مدرسه است.

بنابراین طراحی و اجرای مداخلات آموزشی مبتنی بر تعامل اجتماعی، با رویکردی چندبعدی و بومی‌سازی شده، می‌تواند نقش مهمی در کاهش نابرابری‌های آموزشی و اجتماعی کودکان آسیب‌پذیر داشته باشد. همچنین تقویت مهارت‌های هیجانی و اجتماعی کودکان نه تنها موجب بهبود سلامت روان و عملکرد تحصیلی آنان می‌شود، بلکه به ارتقای تاب‌آوری اجتماعی و کاهش هزینه‌های اجتماعی ناشی از آسیب‌های دوران کودکی نیز کمک می‌کند.

پیشنهادهای اجرایی

۱. تدوین برنامه‌های آموزشی بومی: طراحی بسته‌های آموزشی مهارت‌های هیجانی-اجتماعی متناسب با فرهنگ و ارزش‌های جامعه ایرانی، با بهره‌گیری از نظریه‌های علمی و یافته‌های این مرور.
۲. توانمندسازی معلمان و مربیان: برگزاری کارگاه‌های تخصصی برای معلمان، مشاوران مدارس و مراقبان کودکان برای آموزش شیوه‌های تقویت تعامل اجتماعی، حمایت هیجانی و مدیریت کلاس مبتنی بر همدلی.
۳. ایجاد محیط‌های یادگیری تعاملی: فراهم کردن فضاهای آموزشی و سرگرمی در مدارس، مراکز حمایتی و سازمان‌های مردم‌نهاد که امکان تجربه همکاری، بازی گروهی و تعامل مثبت میان کودکان را فراهم آورد.
۴. حمایت بین‌بخشی: تقویت همکاری میان وزارت آموزش و پرورش، سازمان‌های حمایتی، روان‌شناسان و مددکاران اجتماعی برای شناسایی و حمایت از کودکان آسیب‌پذیر و اجرای مداخلات چند سطحی.
۵. پایش و ارزیابی مستمر: ایجاد نظام ارزیابی دوره‌ای برای سنجش پیشرفت مهارت‌های هیجانی-اجتماعی و اصلاح برنامه‌ها بر اساس نتایج به‌دست‌آمده.

پیشنهادهای پژوهشی

۱. طولی و پیگیری اثرات پایدار انجام پژوهش‌های طولی برای بررسی ماندگاری اثرات برنامه‌های یادگیری مبتنی بر تعامل اجتماعی بر مهارت‌های هیجانی-اجتماعی، عملکرد تحصیلی و کاهش رفتارهای پرخطر کودکان آسیب‌پذیر. این مطالعات می‌توانند شواهد محکمی برای سیاست‌گذاری و سرمایه‌گذاری بلندمدت فراهم کنند.
۲. طراحی و اعتبارسنجی مداخلات بومی توسعه برنامه‌های آموزشی متناسب با فرهنگ ایرانی و سنجش کارایی آن‌ها با استفاده از طرح‌های آزمایشی و شبه آزمایشی. این اقدام می‌تواند به تولید شواهد علمی قابل‌استفاده در مدارس و مراکز حمایتی کمک کند.

۳. مطالعات مقایسه‌ای چند گروهی

بررسی اثربخشی انواع مداخلات (مانند بازی درمانی گروهی، آموزش مهارت‌های زندگی، مشاوره مدرسه محور) در جمعیت‌های مختلف کودکان آسیب‌پذیر و مقایسه نتایج آن‌ها برای شناسایی رویکردهای بهینه

۴. توجه به نقش والدین و مراقبان

انجام پژوهش‌هایی که مداخلات ترکیبی مدرسه محور و خانواده‌محور را طراحی و اجرا کنند تا مشخص شود درگیر کردن والدین چه میزان می‌تواند اثرگذاری مداخلات آموزشی را افزایش دهد

۵. پژوهش‌های بین‌رشته‌ای و مبتنی بر داده

استفاده از روش‌های نوین مانند تحلیل شبکه‌های اجتماعی، داده‌کاوی آموزشی و ارزیابی‌های مبتنی بر شاخص‌های روان‌سنجی برای درک عمیق‌تر تعاملات کودکان و شناسایی عوامل کلیدی ارتقای شایستگی هیجانی-اجتماعی.

منابع

ابراهیمی اورنگ، اکبر؛ حسینی نسب، داود و بیدری گرگری، رحیم. (۱۴۰۰). تأثیر آموزش برنامه یادگیری اجتماعی-هیجانی جامع بر آگاهی اجتماعی دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان آذربایجان شرقی. *فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی*، ۱۶(۶۴)، ۱-۱۲.

احمدی، ج.، صفری، ط.، عرب بافرانی، ح.، همتیان، ز.، و خلیلی، ز. (۱۳۹۳). اثربخشی بازی نقش و تحلیل رفتار کاربردی: افزایش رفتارهای اجتماعی در کودکان در خودماندگی. *تحقیقات علوم رفتاری*، ۳(۱۲)، ۳۵۹-۳۵۱.

اکبری، بهمن و فرگت، ازاده. (۱۳۹۸). خودآگاهی و ویژگی‌های شخصیت با اعتیاد به اینترنت در نوجوانان. *رویش روانشناسی*. ۸(۹)، ۱۶۴-۱۵۷.

امامقلی‌وند، فاطمه؛ کدیو، پروین و شریفی، حسن پاشا. (۱۳۹۸). پیش‌بینی شادکامی و خلاقیت بر اساس جو مدرسه با میانجی‌گری درگیری تحصیلی و شایستگی هیجانی اجتماعی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی. *فصلنامه روانشناسی تربیتی*. ۱۵(۵۲)، ۱۵۵-۱۸۱.

برند، ح.، و ابراهیم‌پور، م. (۱۳۹۵). تأثیر آموزش تحلیل رفتار کاربردی بر بهبود رشد کلامی و مهارت‌های اجتماعی کودکان در خودماندگی. *اولین کنفرانس بی‌نالمللی نوآوری و تحقیق در علوم تربیتی*. مدیریت و روانشناسی: تهران

بهادر مطلق، عطاری و بهادر مطلق، غ. (۱۳۹۱). اثربخشی آموزش راهبردهای شناختی بر ابعاد ادراک شایستگی دانش‌آموزان. *روانشناسی تحولی (روانشناسان ایرانی)*، ۹(۳۳)، ۴۶-۳۹.

پوشنه، ک. و آشناسان، س. (۱۳۹۶). مقایسه تأثیر رو شهای تحلیل رفتار کاربردی با روش پاس خم‌خور و تلفیقی بر افزایش خزان
ه وازگان کودکان با اختلال طیف درخودماندگی چهار تا ش شساله. *فصلنامه کودکان/استثنایی* ۱ (۱۷)، ۱۴۶-۱۳۷

جهاندار، س. و کاکابری، ک. (۱۳۹۷). تأثیر آموزش تحلیل رفتار کاربردی بر رشد مهارتهای اجتماعی کودکان با اختلال طیف
درخودماندگی. *توانمندسازی کودکان استثنایی* ۴ (۲)، ۸۹-۹۸.

حسین خانزاده عباسعلی، حقیقی نیما، شباهنگ رضا. (۱۳۹۷). مقایسه تاثیر تحلیل رفتار کاربردی و بازی درمانی بر مشکلات رفتاری
کودکان مبتلا به اختلال طیف اتیسم. *تربیت استثنایی*. ۶ (۱۵۵)، ۲۰-۱۳

ذبیحی حصار، ن؛ حویزه، ز؛ مختاری یوسف آباد، ا؛ حسینی، ط و بهادری جهرمی، ث. (۱۳۹۸). تاثیر آموزش مهارت های
اجتماعی بر بهزیستی ذهنی، ناگویی هیجانی و کفایت اجتماعی کودکان با اختلال نافرمانی مقابله ای. *فصلنامه سلامت روان کودک*،
۱۴۸۱۳۸، (۳)۶.

علامه، ع؛ شهنی بیلاق، ش؛ حاجی یخچالی، ع.ر. و مهرابی زاده هنرمند، م. (۱۳۹۷). تاثیر آموزش مهارت های مطلوب اجتماعی
مبتنی بر برنامه گروه بندی مهرت بر شایستگی اجتماعی دانش آموزان پسر پر خاشگر. *راهنمای شناختی در یادگیری*، ۶ (۱)، ۶۵-
۴۵

کرین، ویلیام. (۲۰۱۵). نظریه های رشد. ترجمه ی غلامرضا خوی نژاد و علیرضا رجایی. تهران: انتشارات رشد

متقی قمصری عطیه سادات، رستمی رضا. اعتیاد والدین، مشکلات فرزندپروری و آسیب شناسی روانی در فرزندان رویش روان
شناسی ۱۳۹۸؛ ۸ (۶) ۱۶-۹

نعمتی، شهروز و باردل، محمد. (۱۳۹۹). مداخلات به هنگام آموزش اجتماعی -هیجانی در کودکان دبستانی: مطالعه مروری نظام
مند. *تفکر و کودک*، ۱۱ (۱)، ۲۷۱-۲۹۱

هاشمی، م. و یاقوتی، ف. (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش مهارتهای اجتماعی بر رشد اجتماعی کودکان مبتلا به درخودماندگی. *نهمین
کنگره بینالمللی روان درمانی اجلاس آسیایی در بستر ارز شهای فرهنگی: تهران*

Ariwkhani, A. (2024). Reasons for aggressive behavior of students in educational institutions and its psychocorrection. *American Journal of Social Sciences*, 4(6), 134_139.
https://doi.org/10.37547/ajsshr/volume041Issue06_22.

Bagea, I., Ausat, A. M. A., Kurniawan, D. R., Kraugusteeliana, K., & Azzaakiyyah, H. K. (2023). Development of effective learning strategies to improve social-emotional skills in early childhood. *Journal on Education*, 5(4), 14378-14384.



Bagnall, C. L., Fox, C. L., & Skipper, Y. (2021). What emotional-centred challenges do children attending special schools face over primary–secondary school transition?. *Journal of Research in Special Educational Needs*, 21(2), 156-167.

Banerjee, R., McLaughlin, C., Cotney, J.L., Roberts, L.M., & Peereboom, C. (2016). Promoting emotional health, well-being, and resilience in primary schools.

Barlow, J., Wright, C., Sheasby, J., Turner, A., & Hainsworth, J. (2002). Selfmanagement approaches for people with chronic conditions: a review. *Patient education and counseling*, 48(2), 177-187.

Barnett, J. H., Zucker, S. H., & More, C. M. (2020). Applied behavior analysis in today's schools: An imperative for serving students with autism spectrum disorder. *DADD Online Journal*, 7(1), 108-117.

Barrera, M., Atenafu, E. G., Schulte, F., Bartels, U., Sung, L., Janzen, L.,... & Zelcer, S. (2017). Determinants of social competence in pediatric brain tumor survivors who participated in an intervention study. *Supportive Care in Cancer*, 25(9), 2891-2898.

Belyaeva, Z., Shams, S. R., Santoro, G., & Grandhi, B. (2020). Unpacking stakeholder relationship management in the public and private sectors: the comparative insights. *EuroMed Journal of Business*. Online published.

Bernerth, J.B., & Hirschfeld, R.R. (2016). The subjective well-being of group leaders as explained by the quality of leader–

Biermann, J., Franze, M. & Hoffmann, W. Social–Emotional Skills in Five-to-Six-Year-Olds in Social Hotspots in Germany: Individual Trajectories in a Prospective Cohort. *IJEC* 56, 403–420 (2024). <https://doi.org/10.1007/s13158-023-00367-w>

Blewitt C, Fuller-Tyszkiewicz M, Nolan A, et al. Social and Emotional Learning Associated With Universal Curriculum-Based Interventions in Early Childhood Education and Care Centers: A Systematic Review and Meta-analysis. *JAMA Netw Open*. 2018;1(8):e185727. doi:10.1001/jamanetworkopen.2018.5727

Bradbury-Jones, C, Isham, L & Taylor, J 2018, 'The complexities and contradictions in participatory research with vulnerable children and young people:

Carroll, A., Bower, J. M., Chen, H., Watterston, J., & Ferguson, A. (2022). Schoolwide approaches for promoting social and emotional well-being in Australian school contexts: Focus group interviews with system and school stakeholders. *American Journal of Education*, 129(1), 109-138.



Cassidy T (2014) Group-Based Intervention to Improve Socio-Emotional Health in Vulnerable Children. *J Psychol Clin Psychiatry* 1(7): 00045. DOI: [10.15406/jpcpy.2014.01.00045](https://doi.org/10.15406/jpcpy.2014.01.00045)

cohesion. *Educational and Child Psychology*, 36(2), 78- 85.

Collaborative for Academic, Social, and Emotional Learning . competence questionnaire (SECQ).

Craig, A.B., Brown, E.R., Upright, J. *et al.* Enhancing Children's Social Emotional Functioning Through Virtual Game-Based Delivery of Social Skills Training. *J Child Fam Stud* 25, 959–968 (2016). <https://doi.org/10.1007/s10826-015-0274-8>

Crone, E. A., Achterberg, M., Dobbelaar, S., Euser, S., van den Bulk, B., der Meulen, M. V., van Drunen, L., Wierenga, L. M., Bakermans-Kranenburg, M. J., & van IJzendoorn, M. H. (2020). Neural and behavioral signatures of social evaluation and adaptation in childhood and adolescence: The Leiden consortium on individual development (L-CID). *Dev Cogn Neurosci*. 45, 100805.

Dobia, B., Parada. R.H., Roffey, S., & Smith, M. (2019). Social and emotional learning: From individual skills to class cohesion. *Educational and Child Psychology*, 36(2), 78- 85.

Du, G., Guo, Y. & Xu, W. The effectiveness of applied behavior analysis program training on enhancing autistic children's emotional-social skills. *BMC Psychol* 12, 568 (2024). <https://doi.org/10.1186/s40359-024-02045-5>

Du, G., Guo, Y. & Xu, W. The effectiveness of applied behavior analysis program training on enhancing autistic children's emotional-social skills. *BMC Psychol* 12, 568 (2024). <https://doi.org/10.1186/s40359-024-02045-5>

Durlak, J. A., Weissberg, R. P., Dymnicki, A. B., Taylor, R. D., & Schellinger, K. B. (2011). The impact of enhancing students' social and emotional learning: A meta-analysis of school-based universal interventions. *Child development*, 82(1), 405-432.

Eitle, D. (2006). Parental gender, single-parent families, and delinquency: Exploring the moderating influence of race/ethnicity. *Social Science Research*, 35(3), 727–748.

Elksnin, L.K., & Elksnin, N. (2003). Fostering Social-Emotional Learning in the Classroom. *Education 3-13*, 124, 63.

Fong, V. C., & Iarocci, G. (2020). The role of executive functioning in predicting social competence in children with and without autism spectrum disorder. *Autism Research*, 13(11), 1856-1866.



Garvis, S., & Pendergast, D. (Eds.). (2017). *Health and Wellbeing in Childhood* (2nd ed.). Cambridge: Cambridge University Press.

Gahler, M., & Garriga, A. (2012). Has the association between parental divorce and young adults' psychological problems changed over time? Evidence from Sweden, 1968-2000. *Journal of Family Issues*, 34(6), 784– 808.

Gitimoghaddam, M., Chichkine, N., McArthur, L. *et al.* Applied Behavior Analysis in Children and Youth with Autism Spectrum Disorders: A Scoping Review. *Perspect Behav Sci* **45**, 521– 557 (2022). <https://doi.org/10.1007/s40614-022-00338-x>

Hasan, H., Sadaruddin, S., & Nasaruddin, N. (2024). Peningkatan Kemampuan Sosial Emosional Anak Melalui Model Role Playing. *Ihya Ulum: Early Childhood Education Journal*, 2(3), 339– 347. <https://doi.org/10.59638/ihyaulum.v2i3.357>

Houston, K. B., Liffley, E., & Wahman, C. L. (2024). Emotion Talk in Early Childhood: A Systematic Literature Review. *Topics in Early Childhood Special Education*, 0(0). <https://doi.org/10.1177/02711214241266160>

Hymel, S., Low, A., Starosta, L., Gill, R., & Schonert-Reichl, K. (2018). Promoting mental well-being through social-emotional learning in schools: Examples from British Columbia. *Canadian Journal of Community Mental Health*, 36(Special Issue), 97-107.

Jones, S. M., Brown, J. L., & Lawrence Aber, J. (2011). Two-year impacts of a universal school-based social-emotional and literacy intervention: An experiment in translational developmental research. *Child development*, 82(2), 533-554.

Journal of Adolescence, 12(1), 542-550.

Kausar, F. N., Sial, Z. A., & Bahoo, R. (2024). Investigating the Effectiveness of Play-based Learning Strategies on Cognitive, Social, and Emotional Development in Preschools. *Pakistan Journal of Humanities and Social Sciences*, 12(3), 2643-2650.

Khodabakhshi-Koolaee A, Falsafinejad MR, Abbas Gholeinejad M. The effectiveness of storytelling on reducing the aggression and loneliness of Afghan refugee children. *J Pediatric Nurs*. 2019; 5 (2) :59-67.

Kim, M. J., Doh, H. S., Hong, J. S., & hoi, M. K. (2011). Social skills training and parent education programs for aggressive.

Knitzer, J., & Lefkowitz, J. (2005). Resources to promote social and emotional health and school readiness in young children and families: A community guide.



Lander, L., Howsare, J. and Byrne, M. (2013). The impact of substance use disorders on families and children: from theory to practice. *Soc work public health*, 28, 0, 194-205.

Logrieco, M. G., Annechini, E., Casula, L., Guerrera, S., Fasolo, M., Vicari, S., & Valeri, G. (2024). Nonverbal Skills Evolution in Children with Autism Spectrum Disorder One Year Post-Diagnosis. *Children*, 11(12), 1520

Martinsone, B., Supe, I., Stokenberga, I., Damberga, I., Cefai, C., Camilleri, L., ... & Grazzani, I. (2022). Social emotional competence, learning outcomes, emotional and behavioral difficulties of preschool children: parent and teacher evaluations. *Frontiers in Psychology*, 12, 760782.

May M, Ailarova A. Basic life skills curriculum. 2023:1-4.
member exchange. *The Leadership Quarterly*, 27(4), 697-710.

Miyamoto, K., Huerta, M. C., & Kubacka, K. (2015). Fostering social and emotional skills for well-being and social progress. *European Journal of Education*, 50(2), 147-159.

Mondi CF, Giovanelli A, Reynolds AJ. Fostering Socio-Emotional Learning Through Early Childhood Intervention. *Int J Child Care Educ Policy*. 2021;15:6. doi: 10.1186/s40723-021-00084-8. Epub 2021 May 22. PMID: 39935621; PMCID: PMC11812064.

Muhammadi, Harnon, & Johannes. (2024). The Importance of Counseling Interventions for Early Childhood in Improving Emotional and Social Well-Being: A Literature Review. *International Journal of Educational Research Excellence (IJERE)*, 3(1), 332–335. <https://doi.org/10.55299/ijere.v3i1.910>

Nevard, I., Green, C., Bell, V. *et al*. Conceptualising the social networks of vulnerable children and young people: a systematic review and narrative synthesis. *Soc Psychiatry Psychiatr Epidemiol* 56, 169–182 (2021). <https://doi.org/10.1007/s00127-020-01968-9>

Ohl, M., Fox, P., & Mitchell, K. (2013). Strengthening socio-emotional competencies in a school setting: Data from the Pyramid project. *British Journal of Educational Psychology*, 83(3), 452-466.

Payton, J., Weissberg, R.P., Durlak, J. A., Dymnicki, A.B., Taylor, R. D., & Schellinger, K.B. (2008). *The positive impact of*

Phạm-Đào, H., Sevón, E., Koivula, M., Vuorenmaa, M., & Räikkönen, E. (2025). The association between children's social-emotional well-being in early childhood education and care and social competence. *Early Child Development and Care*, 195(1-2), 108-125

preschoolers and their parents in South Korea. *Children and Youth Services Review*, 33, 838-845.



Qayyum, A., Fatima, R., & Iram, A. (2024). Play-Based Learning and Child Cognitive-Emotional Development in Nature-Based Programs. *Annals of Human and Social Sciences*, 5(4), 348-365.

Raposa, E. B., Rhodes, J., Stams, G. J. J. M., Card, N., Burton, S., Schwartz, S., Sykes, L. Y., Kanchewa, S. Kupersmidt, J., & Hussain, S. (2019). The effects of youth mentoring programs: A meta-analysis of outcome studies. *Journal of Youth and Adolescence*, 48(3), 423–443. <https://doi.org/10.1007/s10964-019-00982-8>

Sapra, R. (2019). Social And Emotional Skills as Scaffold for Mental Well-Being of Children and Adolescents: A Construct. *Indian Journal of Health and Wellbeing*, 10, 334-336.

Schonert-Reichl, K. (2017). Social and Emotional Learning and Teachers. *The Future of Children*, 27 (1), 136-155.

Sneed, L. (2022). Treatment Efficacy of Parent-Led ABA for Children with autism and their parents. *Doctoral dissertation*. Walden University.

social and emotional learning for kindergarten to eighth-grade students: Findings from three scientific reviews. Chicago:

Squires, J. (2002). *The importance of early identification of social and emotional difficulties in preschool children*. Center for international rehabilitation.

Taylor, R. D., Oberle, E., Durlak, J. A., & Weissberg, R. P. (2017). Promoting positive youth development through school-based social and emotional learning interventions: A meta-analysis of follow-up effects. *Child development*, 88(4), 1156-1171.

Vacenre, L. (2020). Comparison of levels of mental vulnerability based on mental/psychological well-being in adolescents,

Yi, Z., & Dixon, M. R. (2020). Developing and enhancing adherence to a telehealth aba parent training curriculum for caregivers of children with autism. *Behavior Analysis in Practice*, 14(1), 58–74. <https://doi.org/10.1007/s40617-020-00464-5>

Zhou, M., & Ee, J. (2012). Development and validation of the social emotional

Zhuang, Z., Yang, X., Chen, X., & Wang, H. (2025). Field Study: How Are Vulnerable Children in China Developing Through Sport-Based Social Projects?. *Social Inclusion*, 13.